

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## از ماست که بر ماست

مؤلف: منیره سالم المرشد

مترجم: پدram اندایش

---

نام کتاب: از ماست که بر ماست

---

مؤلف: منیره سالم المرشد

---

مترجم: پدram اندایش

---

ناشر: بوکان - انتشارات

---

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

---

چاپ: بوکان - رامان

---

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

---

قیمت: ریال

---

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

## از ماست که بر ماست

تمامی مصیبت‌هایی که به ما رسیده است و می‌رسد و خواهد رسید، شامل فقر، گرسنگی، ذلت، چیرگی، اشغال شدن، غارت اموال، ویرانی سرزمین‌ها، خروج بر حاکمان و ناتوانی در از بین بردن مکر دشمنان فقط برای آن چیزی است که ما با دستان خود کسب نموده‌ایم و از روی کوتاهی ما در حق پروردگاران و روی برگرداندن ما از عمل به قوانین دین ما است که خالق ما جل و علا و رسول ما ﷺ از آن راضی شده‌اند.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰] (و هر مصیبتی از مصیبت‌ها که به شما برسد، به واسطه‌ی آن چیزی است که خودتان کسب نموده‌اید و باعث می‌شود تا بسیاری [از گناهان] بخشیده شوند).

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ﴾ [النساء: ۷۹] (و هر بدیی که به تو برسد از جانب خودت است).

پیامبر ﷺ فرموده است: «لا یصیب رجلاً خدش عود، ولا عثره قدم، ولا اختلاج عرق إلا بذنب، وما یعفو الله أكثر» (خراشی ناشی از چوبی و لغزش پایی و کشیدگی رگی به کسی نمی‌رسد، مگر از روی گناهی و آنچه الله [تعالی] به سبب آن مصیبت را می‌بخشد، بیشتر از [آن گناهی] است که به دلیل آن انسان مصیبت دیده است) [سنن ترمذی].

تمامی شکست‌های که به مسلمانان وارد می‌شود و آنچه که در اول معرکه‌ی حنین بر آنان وارد شد، نتیجه‌ی آن چیزی است که مؤمنان کسب کرده‌اند. تمامی ویرانی‌هایی که توسط الله تعالی صورت می‌گیرد، و این گونه پنداشته می‌شود که دلایل مادی دارند، دلیل آنها فقط از روی برگرداندن از دین و ظلم به نفس و رها کردن عمل بنفسه می‌باشد و تأکیدی

### از ماست که بر ماست // ۳

وجود دارد که تمامی این وارد دلیل اصلی می‌باشند و سبب-  
های مادی سبب ظاهری هستند.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَاعْرُضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ  
الْعَرَمِ﴾ [سبأ: ۱۶] (پس روی برگرداندند و در نتیجه‌ی آن سیل  
ویرانگر را بر آنها فرستادیم).

همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ  
قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ  
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [آل عمران: ۱۶۵] (آیا مصیبتی که [در  
عزوه‌ی احد] به شما رسید، این گونه نبود که شما دو برابر آن  
را [در عزوه‌ی بدر بر مشرکان] وارد کردید؟ گفتید: این از کجا  
آمده است؟ بگو: آن از جانب خودتان است. الله بر هر کاری  
تواناست).

آیا نمی‌بینید: قتل و فتنه‌ها در عراق، فلسطین و  
افغانستان و ... و در هر مکانی است که توحید برای الله تعالی  
در آن وجود ندارد!!

آیا نمی بینید: گرسنگی، بیماری‌ها و سختی و ...  
بسیاری از ... در سرزمین‌های اسلامی می‌باشد.

پیامبر ﷺ فرموده است: «المصائب والأمراض والأحزان  
فی الدنیا جزاء» (مصیبت‌ها و بیماری‌ها و غم‌ها در دنیا از  
روی مجازات است) [صحیح الجامع].

همچنین فرموده است: «خمس بخمس، ما نقض قوم  
العهد إلا سلط علیهم عدوهم وما حکموا بغير ما أنزل الله إلا  
فشا فیهم الفقر، ولا ظهرت فیهم الفاحشة إلا فشا فیهم الموت،  
ولا طففوا المکیال إلا منعوا النبات وأخذوا بالسنین، ولا منعوا  
الزکاة إلا حبس عنهم القطر» (پنج چیز است که نتیجه‌ی پنج  
چیز است، قومی عهد شکنی نمی‌کنند، مگر آن که دشمنشان  
بر آنها مسلط می‌شود و [قومی نیستند] که حکم به غیر آنچه  
الله نازل کرده است می‌کنند، مگر آن که فقر در بین آنها رواج  
می‌یابد و فحشا در بین آنها آشکار نمی‌شود، مگر آن که مرگ  
[مانند طاعون، ایدز، ایبولا، آنفلانزا مرغی و ...] در بین آنها

## از ماست که بر ماست // ۵

انتشار می‌یابد و کم فروشی نمی‌کنند، مگر آن که گیاهان خشک می‌شوند و دچار قحطی می‌گردند و از دادن زکات خودداری نمی‌کنند، مگر آن که باران و برف قطع می‌شود) [صحيح الجامع، الطبرانی فی الکبیر].

ابن خیره یکی از اصحاب علی علیه السلام گفته است: «مجازات گناه: سستی در عبادت، تنگ شدن زندگی و سختی در لذت است» گفته شد: سختی در لذت چیست؟ گفت: «شخص لذت حلالی نصیبش نمی‌شود، مگر آن که آن را ناقص می‌یابد».

ابن قیم رحمه الله گفته است: «تمامی کم شدن‌ها، بلاها و شرّها در دنیا و آخرت به دلیل گناهان و مخالفت با امر پرورگار می‌باشد. در جهان شری وجود ندارد، مگر آن که علت آن گناهان می‌باشد».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «ما تواد اثنان فی الله فیفرق بینهما إذا بذنب یحدثه أحدهما» (دو نفری نیستند که برای الله

یکدیگر را دوست داشته باشند و بعد بین آنها جدایی بیافتد، مگر به علت آن که یکی از آنها دچار گناه شده باشد) [صحیح بخاری (بخاری)].

\*\*\*

### **گناه و سیئه، اطاعت و حسنه چه می‌باشند؟**

منظور از حسنات (نیکی‌ها، جمع حسنة) و سیئات (بدی‌ها، جمع سیئه) نعمتها و مشکلات می‌باشند. حسنات همان نعمتها می‌باشد و اطاعت‌ها همان اعمالی هستند که الله تعالی آنان را برای هدایت بندگانش قرار داده است و سیئات همان بلاها هستند و گناهان همان اموری است که وقتی بر انسان وارد می‌شود او را دچار گناه می‌کند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الأعراف: ۱۶۷] (و آنها را با حسنات و سیئات مورد آزمایش قرار می‌دهیم، باشد که بازگردند).



همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ﴾ [الشوری: ۴۸] (و وقتی از طرف خودمان به انسان رحمتی را می‌چشانیم، توسط آن شاد می‌گردد و وقتی بدیی به واسطه‌ی آنچه خودشان انجام داده‌اند به آنها می‌رسد، در این حالت است که او کفران کننده می‌شود).

به حسنات امر شده است و از سیئات نهی شده است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [القصص: ۸۴] (هر کس با حسنه‌ای بیاید برای او بهتر از آن خواهد بود و کسی که با سیئه بیاید، مجازاتی برای کار سیئه او وجود ندارد، مگر برابر با آنچه انجام می‌داده است).

الله تعالی در قرآن و سنت بین این دو فرق گذاشته است. همان گونه که در حدیث قدسی آمده است: «یا عبادی، إنما هی أعمالکم أحصیها لکم، ثم أوفیکم إیها، فمن وجد

خيراً فليحمد الله، ومن وجد غير ذلك فلا يلومن إلا نفسه»  
(ای بندگانم! آن اعمال شماست که آنها را برای شما شمرده‌ایم  
و بعد از آن آنان را جبران خواهیم کرد، پس کسی که خیری  
یافت، الله را شکر نماید و کسی که غیر آن را یافت، کسی را  
جز خودش ملامت نکند!) [صحیح مسلم].

سیئات از روی جهل می‌باشد؛ تمامی کسانی که از الله  
تعالی نافرمانی می‌کنند، جاهل هستند و هر کسی که از الله  
تعالی خشیه (ترس از ابهت و عظمت) داشته باشد، او عالم می-  
باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾  
[فاطر: ۲۸] (فقط بندگان الله که عالم باشند از او خشیه دارند).  
همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ  
الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ﴾ [یس: ۱۱] (فقط کسی را می‌ترسانی که از  
ذکر (قرآن) تبعیت کند و پنهانی از [خداوند] رحمان خشیه  
داشته باشد).

علم باعث ایجاد خشیه می‌شود که نتیجه‌ی آن انجام حسنات و ترک بدی‌ها می‌باشد و هر نافرمانی، جاهل است. ابن مسعود رضی الله عنه گفته است: «علم برای خشیه‌ی از الله کافی است و برای خود بزرگ بینی جهل کافی می‌باشد».

الله تعالی برای انسان فضیلت‌هایی را قرار داده است که بدین شرح می‌باشند:

۱- فطرت: هر فرزندی بر اساس فطرت اسلام به دنیا می‌آید. الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ﴾ [الروم: ۳۰] (صورت خودت را حق‌گرایانه به سوی دین بگردان! همان فطرتی که الله [تعالی] انسانها را بر آن آفریده است. تغییر در آفرینش الله وجود ندارد، این است دین استوار).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «کل مولود یولد علی الفطرة، فأبواه یهودانه أو ینصرانه أو یمجسانه كما تتنج البهیمة بهیمة»

جمعاء، هل تحسون فيها من جدعاء» (هر فرزندی بر اساس فطرت [اسلام] به دنیا می‌آید و این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا مسیحی یا آتش پرست می‌کنند. همان گونه که چهارپا، چهارپا به دنیا می‌آورد، آیا در بین [فرزندان] آنها حیوان گوش بریده دیده‌اید) [بخاری (بخارایی) و مسلم].

در صحیح مسلم از عیاض بن حمار آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «قال الله تعالى: خلقت عبادی حنفاء، فاجتالتهم الشياطين، وحرمت عليهم ما أحللت لهم وأمرتهم أن يشركوا بي ما لم أنزل به سلطاناً» (الله تعالی می‌فرماید: بندگان را حق‌گرا آفریده‌ام و شیطانها باعث روی برگرداندن آنها از حق می‌شوند و آنچه را که برای آنها حلال کرده‌ام را برای آنها حرام می‌کنند و به آنها امر می‌کنند تا به من شرکی بورزند که دلیل محکمی برای آن شرک ورزیدن نازل نشده است) [مسلم].

۲- الله تعالى مردم را به صورت عمومی هدایت می‌نماید: این هدایت او شامل فطرتی است که برای آنها قرار داده است تا توسط آن معرفت و علم بیاموزند و همچنین با نازل کردن کتاب برای آنها و فرستادن رسولان به سوی آنها این عمل را انجام می‌دهد. الله تعالى می‌فرماید: ﴿الرَّحْمَنُ \* عَلَّمَ الْقُرْآنَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ \* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ [الرحمن: ۱-۴] ([خداوند] رحمان \* قرآن را آموخت \* انسان را آفرید \* و به او سخن گفتن را آموزش داد).

اما اصل شر:

۱- عبادت نفس و شیطان و شریک قرار دادن آنها برای الله متعال و او را معادل آنها قرار دادن:

انسان به امر شیطان، مرتکب عمل شرّ می‌شود؛ به همین دلیل شیطان بر بندگانِ خداوند رحمان تسلطی ندارند. یا الله! ای پروردگار جهانیان! ما و پدران و مادران ما و برادران و مسلمانان مرد و زن را از آن بندگانِ رحمان قرار

بده! الله تعالى می فرماید: ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ﴾ [الحجر: ۴۲] (برای تو [ای ابلیس!] قدرتی در برابر بندگان من وجود ندارد، مگر نادانانی که از تو تبعیت می کنند).

از روی همین اصل، فرعون و نمرود ادعای خدایی کردند و یهودیان گفتن عزیر فرزند الله تعالی است و مسیحیان نیز ادعا کردن که مسیح فرزند الله می باشد و همچنین مشرکانی در بین امت پیامبر ﷺ گفتند: علی ﷺ همان الله تعالی می باشد<sup>۱</sup> و این در حالی است که الله تعالی می فرماید: ﴿سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۴۳] (او پاک و خیلی بلند مرتبه تر از آن چیزی است که آنها می گویند).

اصل شرّ در بین فرزندان بنی آدم شرک ورزیدن به الله تعالی می باشد و آن شریک قرار دادن بندگان صالح الله که

---

<sup>۱</sup> - این فرقه را علی اللهی یا نصیریه می نامند. (مترجم)

مرده‌اند به الله تعالی می‌باشد، در کنار قبر آنها اعتکاف می‌کنند و برای آنها مجسمه‌هایی را قرار می‌دهند و بعد آن مجسمه‌ها را پرستش می‌کنند، این امر در بین قوم نوح وجود داشت. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا﴾ [نوح: ۲۳] (و گفتند: معبودان و پرستش شوندگان خود را رها نکنید و ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر را رها نکنید!) و این در حالی بود که الله تعالی با غرق نمودن اهل زمین، این بت‌ها را از بین برد.

## ۲- شرک از طرف شیطان می‌باشد:

کسی که به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» این نیاورد، به این معنا که غیر از او کسی شایسته‌ی پرستش و بندگی نمی‌باشد و واجب است تا او سُبْحَانَكَ عبادت شود و همچنین او سُبْحَانَكَ امر فرموده است تا عبادت شود و عبادتی وجود ندارد، مگر انجام و یا ترک آنچه که او سُبْحَانَكَ در دینش واجب نموده یا مستحب قرار داده است، گریزی برای او وجو ندارد که باید گرفتار شرک گردد.

## برای چه شخص به گناهان مبتلا می‌شود:

الله تعالی انسان را برای عبادت خودش به صورتی یکتا و بی‌شریک آفریده است و فطرت انسان را نیز بر آن قرار داده است و به سوی آن راهنمایی نموده است و به آن امر فرموده است و به همین دلیل رسولان را فرستاده است و کتابهای آسمانی را نازل نموده است. جهان را در هر حالتی جلوی او قرار داده است تا عظمت، وحدانیت، کمال و زیبایی او سبحانه را بنگرد.

اگر آنچه را که برای آن آفریده شده است و فطرت او بر آن قرار دارد و به انجام آن امر شده است، را انجام ندهد، دچار مجازاتی می‌شود که همان زینت دادن شرک و گناهان از طرف شیطان برای او می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَاِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا﴾ [الإسراء: ۶۳] (فرمود: [ای شیطان!] برو و کسانی که از تو



تبعیت می‌کنند که جهنم مجازات آنها می‌باشد و مجازاتی تمام و کمال است).

به همین دلیل شیطان، چیرگی بر کسانی که به الله به صورت یکتا ایمان دارند، ندارد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ \* إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾ [النحل: ۹۹-۱۰۰] (این گونه است که برای او چیرگی بر کسانی که ایمان آوردند و بر پروردگارشان توکل نمودند، وجود ندارد \* فقط تسلط او بر کسانی است که از او (الله تعالی) روی بر می‌گردانند، همان کسانی که برای او شریک قرار می‌دهند).

همچنین اخلاص داشتن در دین از تسلط شیطان و دوستی با شیطان که باعث عذاب می‌شود، جلوگیری می‌کند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنۢ مَّنۢ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ [یوسف: ۲۴] (این چنین بود که بدی و فحشا را از او دور نمودیم، زیرا او از بندگان با اخلاص ما

بود). [همچنین الله تعالی در گفتگوش با شیطان می‌فرماید:  
﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ  
الْمُخْلِصِينَ﴾ [ص: ۸۲ - ۸۳] [و به همین معنا الحجر: ۴۰]  
[ابلیس] گفت: به عزت تو قسم که همه‌ی آنها را گرفتار شر  
می‌کنم \* مگر آن دسته از بندگان که خالص گشته باشند).

اخلاص بنده در دینش برای پروردگارش، مانعی بر  
چیزی است که ضد آن اخلاص می‌باشد و اگر در دینش برای  
پروردگارش اخلاص نداشته باشد و به حکمتی که برای آن  
آفریده شده است و فطرت و سرشت او بر آن قرار داده شده  
است، عمل ننماید، مجازات او این می‌شود که شیطان بر او  
تسلط می‌یابد و انجام سیئات را برای او زیبا جلوه می‌دهد و  
گرفتار کردن او به بی‌بندوباری مجازات این می‌باشد که از الله  
تعالی تقوا پیشه نکرده است.

گناه ظلمی از طرف انسان در حق پروردگارش و  
نفسش می‌باشد و ظلم به نفس به دو طریق صورت می‌گیرد:

۱- انجام ندادن حسنات.

۲- انجام دادن سیئات.

در هر نعمتی فضیلتی وجود دارد و برای هر سرکشیی معادلی موجود می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾ [الصف: ۵] (وقتی که انحراف یافتند، الله [تعالی] قلبهای آنان را منحرف گرداند).

الله تعالی انسان را آفریده است و خلقت او را بر اساس حرکت و عمل قرار داده است. اگر در مسیر حسنات و نیکی‌ها حرکتی از خود نشان ندهد، به جای آن الله تعالی او را در سیئات و بدی‌ها حرکت می‌دهد و قلب چیزی نیست مگر چیزی که دائماً در حال عمل می‌باشد و نفس نیز این‌گونه است؛ به همین دلیل گفته شده است: اگر نفست را به اطاعت از الله تعالی مشغول نکنی، تو را به گناهان مشغول می‌نماید. در سنت آمده است: «مثل القلب: مثل ريشة ملقاة بأرض فلاة، وللقلب أشد تقلباً من القدر إذا استجمعت غلياناً» (مثل قلب به

مانند پری است که در بیابانی می‌افتد و دگرگونی برای قلب بیشتر از [دگرگونی برای آن پری] می‌باشد و این وقتی است که در آن جوشش ایجاد می‌شود) [أحمد بن حنبل در مسندش].  
به همین دلیل است که قلب به این نام نامیده شده است، زیرا بسیار منقلب و دگرگون می‌شود.

نفس نیز از روی سرشتش دگرگون می‌شود، آن زنده و متحرک می‌باشد و خواست یکی از لوازم زندگی است، به همین دلیل پیامبر ﷺ در سنت صحیح فرموده است: «أصدق الأسماء: حارث و همّام...» (صادقانه‌ترین نامها: حارث (کشاورز) و همّام (اهمیت دهنده) است ...) [ابوداود]، تمامی انسانها کشاورز و اهمیت دهنده می‌باشند، [کشاورز به این معنا که برای آخرتشان می‌کارند] و همّام به معنای کسی که اهمیت می‌دهد و خواستار است و با خواست خودش حرکت می‌کند.



چه چیزی بر ما واجب است تا آن را انجام دهیم و باید چه امانتی را بر دوش داشته باشیم؟!

۱- عبادت الله تعالی به اندازه‌ی حق عبادتش و این عبادت همان گونه که الله سبحانه امر نموده است باید بر اساس تبعیت باشد و نه بر اساس بدعت و دین‌سازی!

در حدیث قدسی آمده است: «ما تقرب إلی عبدی بشيء أحب إلی مما افترضته علیه، وما یزال عبدی یتقرب إلی بالنوافل حتی أحببه. فإذا أحببته كنت سمعه الذی یسمع به وبصره الذی یبصر به، ویده الذی یبیطش بها ورجله الذی یمشی بها...» (بنده با چیزی به من نزدیک می‌شود که همان محبوب-ترین چیز نزد من می‌باشد و آن را بر وی واجب نموده‌ام و بندهام دائماً با انجام نوافله‌ها به من نزدیک می‌شود، تا آن که او را دوست می‌دارم. وقتی او را دوست داشتم، گوشش می‌شوم که توسط آن می‌شنود و چشمش می‌شوم که توسط آن می‌بیند و دستش می‌شوم که توسط آن می‌گیرد و پایش می‌شوم که

توسط آن راه می‌رود... [مسلم]، این همان عمل به آنچه در قرآن و سنت آمده است می‌باشد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا﴾ [النور: ۵۴] (و اگر از او [پیامبر ﷺ] اطاعت کنید، هدایت می‌یابید).

وقتی الله تعالی پروردگار هر چیزی و مالک، خالق و روزی دهنده‌ی آن می‌باشد، پس چرا باید غیر از او مورد بندگی و پرستش قرار گیرد؟

انسان باید بداند که تمامی نعمتها از طرف الله تعالی است و کسی توانایی آن را ندارد، مگر الله متعال. الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ﴾ [فاطر: ۲] (آنچه الله [تعالی] از رحمتش برای انسان گشایش ایجاد می‌نماید، باز دارنده‌ی برای آن وجود ندارد و آنچه را که [از او] باز دارد، رساننده‌ی برای او [انسان] بعد از وی [الله تعالی] وجود ندارد).

وقتی بدانند که از آنجا که حسنات از طرف الله تعالی می‌باشد، باید او را شکر نمایند، بر وی واجب می‌شود تا در شکر از الله تعالی و توکل برای او راستگو و صادق باشد و همچنین باید بدانند که علت به وجود آمدن شر فقط خودش می‌باشد و باید از آن خود را حفظ نماید و همچنین باید بدانند که شر از کجا آمده است، در این صورت است که برای گرفتار نشدن به شر از آنچه انجام داده است از پروردگارش طلب آمرزش می‌کند و توبه می‌نماید و از الله تعالی طلب کمک می‌نماید و برای آنچه بعد از آن می‌خواهد انجام دهد، به الله متعال پناه می‌برد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ﴾ [هود: ۱۲۳] (پس او را عبادت کن و بر وی توکل نما!).

پیشینیان رضوان الله علیهم می‌گفتند: «بنده نباید به چیزی امید داشته باشد، مگر به پروردگارش و از چیزی نباید بترسد، مگر از گناهِش». این همان توحید حقیقی است و جدا

کننده‌ی بین موحد و مشرک می‌باشد و در این صورت است که پاداشی برای دنیا و آخرت کسب می‌کند.

۲- پاک کردن نفس و مجاهدت نمودن در برابر هوای آن:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ \* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾ [النازعات: ۴۰-۴۱] (و اما کسی که از مقام پروردگارش بترسد و نفس را از هوای [آن] نهی نماید \* پس بهشت جایگاه او خواهد بود).

خالف هواک ما استطعت فإنما

هواک عدو والخلاف صدیق

تا آنجا که می‌توانی با هوایت مخالفت کن! فقط هوای تو دشمن می‌باشد و مخالفت با آن دوست مورد اعتماد مؤمن بر انجام گناه اصرار نمی‌ورزد، بلکه از آن توبه می‌نماید و این برای او کسب حسنه می‌باشد!!



برای بنده‌ی صالح، گناه سبب می‌شود تا در برابر الله تعالی ذلیل شود و فروتنی پیدا کند و او را بخواند و از او طلب آمرزش نماید و سبب می‌شود تا نیازمندی خود را نسبت به الله تعالی مشاهده کند. الله تعالی گناهان را نمی‌بخشد مگر آن که به سبب توبه از گناهان به مؤمن حسنات را می‌رساند، حسناتی که بدون آن توبه ایجاد نمی‌گردد. مؤمن برای گناهش بین دو امر می‌باشد:

الف - گاهی توبه می‌نماید و الله تعالی نیز توبه‌ی او را می‌پذیرد و به سبب توبه از توأبین (بسیار توبه کنندگان) می‌شود، همان کسانی که الله متعال آنها را دوست می‌دارد.

ب- گاهی نیز مصیبت‌هایی به او می‌رسد و در نتیجه‌ی صبر بر آن مصیبت‌ها گناهانش پاک می‌شود و سیئاتش از بین می‌رود و آن صبر باعث می‌شود تا درجاتش بالا رود.<sup>۱</sup>

پیامبر ﷺ فرموده است: «والله لا يقضى للمؤمن قضاءً إلا كان خيراً له إن أصابته سراء شكر فكان خيراً له، وإن أصابته ضراء صبر فكان خيراً له» (الله تعالی امری را برای مؤمن قرار نمی‌دهد، مگر آن که آن امر برای مؤمن خیر می‌شود. اگر شادی به وی برسد، شکر می‌کند و برایش خیر می‌شود و اگر سختی به او برسد، صبر می‌کند و آن نیز برایش خیر می‌شود) [مسلم].

---

<sup>۱</sup> - حالت‌های دیگری نیز امکان دارد تا به وقوع بپیوندد: مثل شفاعت پیامبر ﷺ در روز قیامت، انجام حسنات و در نتیجه‌ی آن پاک شدن سیئات و بدترین حالت آن که مسلمان داخل جهنم شود و با ازای گناه خود مجازات گردد و بعد به علت توحیدش از آن خارج گردد. (مترجم)

صبر بر سختی‌ها بزرگتر از صبر بر شادی می‌باشد.  
پیامبر ﷺ فرموده است: «أعوذ بك من فتنة الفقر وشر فتنة الغنى» [یا الله] به تو پناه می‌برم از فتنه‌ی فقر و از شرّ فتنه‌ی ثروتمندی [بخاری (بخاری)].

فقر امتحانی است که بسیاری بر آن صبر می‌کنند و اصلاح می‌گردند، ولی ثروتمندی جز عده‌ی کمی از آن در امان نمی‌ماند. به همین دلیل بیشتر کسانی که داخل بهشت می‌شوند، فقیران هستند؛ زیرا فتنه‌ی فقر آسانتر است و به همین دلیل از بهترین دعاها این سخن پیامبر ﷺ می‌باشد: «اللهم لا تجعلني عبرةً لغيري، ولا تجعل أحداً أسعد بما علمتني مني» (یا الله! مرا عبرتی برای دیگران قرار مده! و هیچ‌کسی را خوشبخت‌تر از من در آنچه به من آموزش داده‌ای قرار مده!). همچنین فرموده است: «من سرته حسنة وساءته سيئة فهو مؤمن» (کسی که حسنه او را شاد گرداند و سیئه او را ناراحت کند، مؤمن است) [ترمذی].

۳- توکل بر الله تعالی و نه توائل:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [آل عمران: ۱۲۶] (و یاری شدن و پیروزی وجود ندارد، مگر از جانبِ الله بسیار باعزتِ بسیار با حکمت)، الله سبحانه همان قادر، مقتدر و توانا است و در بالا بودنش دارای جلال می‌باشد. اسمها و صفات او مقدس می‌باشند و هر چیزی در دست اوست؛ تمامی پیروزی و شکست، قدرت و ضعف، عزت و ذلت، ثروتمندی و فقر و ... همگی در دست اوست. پس مسلمان باید بر پروردگارش توکل کند و به اسباب آن توکل عمل نماید و این باید در حالی باشد که به یاری الله تعالی یقین داشته باشد و گناهان خودش را بزرگ ببیند و باید از گناهش بترسد و نه این که از دشمنش بترسد. زیرا الله تعالی همراه او می‌باشد و می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ﴾ [الأنفال: ۶۰] (و برای آن [دشمنان] تا

آنجا که می‌توانید، قدرت مهیا سازید و همچنین مرکب‌هایی  
[برای جهاد].

۴- شناخت حقیقت گناهان، جلوه‌ی دشمن را در درون‌ها  
ضعیف می‌کند:

اگر مسلمان بداند که دشمنان فقط به دلیل گناهانمان  
بر ما مسلط می‌شوند و نه به علت قدرتشان و به علت  
نافرمانی ما و نه به علت تعدادشان، روحش را تقویت می‌کند  
و آن را رشد داده و از الله عز و جل طلب آمرزش می‌نماید و به  
سوی او توبه می‌کند و دائماً در حال توبه و بازگشت به سوی  
پروردگارش سبحانه قرار می‌گیرد.

۵- تغییر دادن درون‌ها که همان دلیل تغییر محیط است:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّصِرُوا  
اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ [محمد: ۷] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر  
الله [متعال] را یاری دهید، شما را یاری می‌دهد).

همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَتْ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ [الرعد: ۱۱] (الله [تعالی، وضع و حال] قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که خودشان را تغییر دهند).



وقتی عقیده‌ی بنده اصلاح می‌گردد، عملش نیز اصلاح می‌شود:

- مسلمانان باید این اعتقاد خود را عوض کنند که [نعوذ بالله] پروردگارشان در هر جایی [حتی در مکانها پست] واقع می‌باشد. الله ﷻ می‌فرماید: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: ۵] ((خداوند) رحمن بر روی عرش استقرار دارد) به این معناست که او بالا می‌باشد. همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَمْ أَمِنْتُمْ مِّنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ﴾ [الملک: ۱۷] (آیا ایمن شدید از کسی که بر بالای آسمان است بر این که طوفانی

را بر شما بفرستد و در نتیجه‌ی آن بدانید که ترساندن چگونه است)'.<sup>۱</sup>

- مسلمانان باید عقیده‌ی خود را درباره‌ی توهینی که به پیشینیان امت ﷺ می‌کنند، تغییر دهند. الله سبحانه می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ

---

۱ - عده‌ای می‌گویند: این آیه درباره‌ی ملائک می‌باشد و این در حالی است که ملائک جمع می‌باشند و در اینجا فعل به صورت مفرد آمده است و همچنین از کسی سخن به میان می‌آید که او بالای آسمان است، ولی عمل او بر روی زمین قرار دارد. باید توجه داشت فقط این الله تعالی است که می‌تواند در جایی باشد و عمل خود را در جایی دیگر عملی نماید و اگر در این آیه منظور این بود که ملائک این کار را بر روی زمین انجام می‌دهند، نباید از کسی می‌ترساند که بالای آسمان می‌باشد. (مترجم)

الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰] (و اولین کسانی که پیشی گرفتند از مهاجرین و انصار و کسانی که از آنها به نیکی تبعیت می-کنند، الله از آنان راضی می‌باشد و آنها نیز از او راضی می-باشند و برای آنها باغهایی را مهیا نموده است که از زیر آن نهرها جاری است، در آن تا ابد جاویدان هستند و این کامیابی بزرگی می‌باشد).

- مسلمانان باید عقیده‌ی خود را از عفونت لائیک و آنچه در اقتصاد به آن سوسیالیست می‌گویند، تغییر دهند.
- مسلمانان باید عقیده‌ی خود را از عقیده‌ی جبریه پاک نمایند، و به علت وجود تقدیر از روی جمود و کسالت نگویند که همه زندگی جبر می‌باشد که در این صورت با دینشان مخالفت می‌ورزند.
- مسلمانان باید کینه و حسادت و ... را از روی دست داشتن به خاطر الله تعالی پاک نمایند. پیامبر ﷺ فرموده است: «المسلم أخو المسلم لا یخونه ولا یکذبه ولا یخذله.



كل المسلم على المسلم حرام عرضه وماله ودمه. التقوى هاهنا. بحسب أمرئ من الشر أن يحقر أخاه المسلم» (مسلمان برادر مسلمان است، به او خیانت نمی‌کند و به او دروغ نمی‌گوید و او را خوار نمی‌گرداند. ناموس، مال و خون هر مسلمان برای مسلمان دیگر حرام می‌باشد. تقوا اینجاست [و اشاره نمود به سینه‌اش] برای شرّ بودن شخص همین کافی است که برادر مسلمانش را تحقیر نماید) [بخاری (بخارایی)].

- مسلمانان باید مجالس غیبت و خبرچینی را به مجالس خیرخواهی برای الله تعالی عوض کنند. پیامبر ﷺ فرموده است: «لا يدخل الجنة نام» (خبرچین و دو بهم زن داخل بهشت نمی‌شود) [متفق علیه]. همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾ [الحجرات: ۱۲] (و کسی از شما از کسی دیگر غیبت ننماید! آیا کسی از شما دوست دارد که

گوشت مردار برادرش را بخورد، در حالی که از آن کراهت دارید).

نفس اگر بر فطرتی باشد که الله تعالی آن را از ابتدا آفریده است و دستخوش تغییر نگردد، به معبود بودن الله و دوست داشتن او اقرار می‌کند و او را عبادت کرده و به او شرک نمی‌ورزد. ولی گاهی فاسد می‌شود و شیطانهای انسی و جنی آن فساد را برایش زیبا جلوه می‌دهند.

۶- احساس مسئولیت در هر چیزی:

عبد الله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیتہ، الإمام راع ومسئول عن رعیتہ، والرجل راع فی أهله ومسئول عن رعیتہ، والمرأة راعیة فی بیت زوجها ومسئولة عن رعیتها، والخادم راع فی مال سیده ومسئول عن رعیتہ، وکلکم راع ومسئول عن رعیتہ» (تمامی شما مسئول هستید و از تمامی شما درباره‌ی زیردستانتان سوال می‌شود. امام مسئول است و از زیر دست

### از ماست که بر ماست// ۳۳

خود سوال می‌شود. مرد مسئول خانواده‌اش است و از زیر دست خود سوال می‌شود. زن مسئول خانهای شوهرش است و از مسئولیت وی سوال می‌شود. خدمتکار مسئول مال سرورش است و از آنچه مسئولیت دارد، سوال می‌شود و تمامی شما مسئول هستید و از زیر دستان شما سوال می‌شود) [صحیح بخاری (بخاری)]. منظور از سوال شدن این است برای هر کسی تکلیفی وجود دارد و به واسطه‌ی تکلیفش از او حساب و کتاب به عمل می‌آید.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَقَفَّوْهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ [الصافات: ۲۴] (و آنها را نگه دارید، زیرا از آنان سوال می‌شود). مسئولیت رنج کشیدن برای اخلاص داشتن در ادا کردن امور واجب و زنده بودن درون در این که خود را زیر نظر الله ﷻ بدانند، می‌باشد و بر اساس بر پا داشتن این مسئولیت، سزا و ثواب داده می‌شود.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَلِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [الأنعام: ۱۶۰] (کسی که با حسنه بیاید، برای او ده برابر آن خواهد بود و کسی که با سیئه بیاید، مجازاتی ندارد، مگر به اندازه‌ی آن و به آنها ظلم نمی‌شود). همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ [النجم: ۳۹] (و برای انسان چیزی وجود ندارد، مگر آنچه برای آن کوشش نموده باشد).

الف - مسلمان مسئول عقیده‌ی خودش می‌باشد، باید آن را حفظ کند تا پاک و صاف بماند و نباید بگذارد تا پلیدی آن را پلید کند و آنچه الله تعالی بر او واجب نموده است را انجام دهد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۲] (و از الله و رسول اطاعت کنید! باشد که مورد رحمت قرار بگیرید)، همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ [الزمر: ۵۵]

(و از نیکوترین چیزی که از طرف پرودگارتان بر شما نازل شده است، تبعیت کنید!)، همچنین می‌فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷] (و آنچه رسول به شما داده است را بگیرید و از آنچه شما را از آن نهی نموده است، خودداری کنید!).

ب- مسلمان مسئول نفسش می‌باشد که بین دو پهلوی دو می‌باشد؛ خوشبختی او در دنیا و آخرت مشروط به این است که راه مستقیم را بی‌ماید و عمل صالح انجام دهد. پس مسلمان باید نفسش را ادب کند و آن را پاک بدارد و از فاسد شدن آن توسط اعتقادات باطل جلوگیری کند و آن را مجبور نماید تا صبر کند و صبر خود را زیاد گرداند و در آشکار و نهان خودش را زیر نظر الله تعالی ببیند و در نتیجه نفس را مجبور به انجام امور خیر و طاعات نماید همان گونه که آن را از شرّ و فساد باز می‌دارد و این را باید بداند که درباره‌ی آن سوال خواهد شد.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [العنكبوت: ۶۹] (و کسانی که در راه ما جهاد نمایند، آنان را به راه‌هایمان [مثل نماز، روزه و ...] هدایت می‌نماییم و الله با نیکوکاران است).

آن محل پادشاهی الله ﷻ می‌باشد، به همین دلیل کشتن آن را به ناحق حرام نموده است، همان گونه که انتحار و قرار دادن نفس در هلاکت را حرام نموده است. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [النساء: ۲۹] (و خودتان را نکشید که الله [تعالی] نسبت به شما مهربان می‌باشد).

اگر شخص بخواهد اخلاقی را داشته باشد که به آن عادت ندارد و برای نفس سخت می‌باشد، باید با مجاهدت، نیت صادقانه، تمرین و آموزش آن را به صورت اخلاقی ثابت درآورد و آن را تثبیت نماید یا آن را بر اساس زندگی تربیت

کند که شخص دارای آن می‌باشد و باید بدانیم که همه‌ی ما اخلاق و سلوکمان را از موقعیت خودمان کسب می‌کنیم.

وینشأ ناشئ الفتیان منا علی ما کان عوده أبوه

تمامی ما اخلاق خوب خود را از روی تربیت خانواده و اجتماع بدست می‌آوریم و آنچه را که آنها نیکو دارند، نیکو می‌داریم و آنچه را که زشت می‌شمارند، زشت می‌شماریم. باید توجه داشت که سلوک خیر را با تکرار می‌توان به صورت عادت درآورد و بسیاری از رفتارها بر اساس عادت بدست می‌آیند و اگر در این تکرار نیت ثواب بردن داشته باشیم، آن عمل عبادت محسوب می‌شود!

ج- او مسئول اعضای بدن که الله تعالی به او بخشیده است، می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۶] (و پی چیزی نرو که نسبت به آن علم نداری!

زیرا گوش، چشم و دل همگی درباره‌ی آن مورد سوال واقع می‌شوند).

د- او مسئول ناموس و شرفش می‌باشد: پروردگاران بی‌بندوباری را به صورت آشکار و نهان حرام نموده است و راه‌های رسیدن به آن را بسته است. این در حالی است که الله تعالی ازدواج شرعی را حلال نموده است و در آن حفظ شدن زن و شوهر و فرزندان را قرار داده است و همچنین امر به اجازه خواستن [برای داخل شدن به خانه و همچنین خواستگاری] نموده است و امر نموده است تا جوارحی که پست‌چی رسیدن به حرام است، از آنها محافظت به عمل آید... برای هر فردی در اجتماع حقوقی قرار داده است و بر او واجباتی قرار داده است که تا زمانی که به آنها وفا کند، پاداش می‌بیند و وقتی در آنها اهمال می‌ورزد، هلاک می‌شود!!

ه- همچنین او مسئول مالش است: مال وسیله‌ی زندگی است و بدون آن کاری نمی‌توان انجام داد. الله تعالی



بندگان را به کسب حلال و کوشش بر روی زمین برای کسب روزی به شکل مشروع آن امر فرموده است و همچنین امر نموده است که از آن مال آن قسمتی از آن که حق الله تعالی در آن وجود دارد به مستحق آن برسد و شامل زکات و صدقه می‌باشد. همچنین رباخواری، دزدی، خیانت و خوردن اموال مردم از روی باطل را حرام کرده است. الله تعالی مال را برای این داده است تا بر اساس امر او خرج شود و این خرج کردن در راه حرام نباید باشد و همچنین نباید به گونه‌ای که فایده‌ای نمی‌رساند، ذخیره گردد.

و- مسلمان مسئول می‌باشد تا تبلیغ نماید و به سوی الله ﷻ با اخلاق و سلوکش دعوت دهد، تا آن که دین الله تعالی را در قلب و جوارح هر کسی که به الله تعالی ایمان دارد، زنده نماید. الله تعالی می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۸] (بگو: این راه من است که با

بصیرت به سوی الله [تعالی] دعوت می‌دهم. [این عمل] من و کسانی است که از من تبعیت می‌کنند و پاک و منزّه است الله و من از مشرکان نمی‌باشم).

الله ﷻ عزیز خود ﷺ را با این سخن ستایش می‌نماید:  
﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: ۴] (و تو بر اخلاق سترگی می‌باشی). ابودرداء رضی الله عنه از رسول الله ﷺ آورده است: «ما من شيء أثقل في الميزان من حسن الخلق» (هیچ چیز در ترازوی اعمال سنگین‌تر از اخلاق نیکو نمی‌باشد) [مسلم]. این چنین بود اخلاق نیکوی پیامبر ﷺ که در تمامی اصحابش رضوان الله علیهم منعکس شد و آنان اسوه‌هایی شدند که در هر زمانی از آنها تبعیت می‌شود.

بنابراین: بر تمامی ما واجب است تا در انتخاب دوست و همشنین دقت کنیم، زیرا گفته شده است: «همشنین [انسان را به سوی خود] می‌کشد».

همچنین گفته شده است:

إذا كنت في قوم فصاحب خیارهم

اگر در بین قومی بودی، با بهترین آنها همنشین شو!

ولا تصحب الأردی فتردی مع الردی و با انسان پست همنشین

مشو که همراه پست شدن باعث پست شدن تو می شود.

عن المرء لا تسأل وسل عن

درباره‌ی شخص سوال نکن! بلکه از

قرینه فکل قرین بالمقارن یتقدی

همنشین او سوال کن که هر کسی به همنشین خود اقتدا می کند

دائماً خود را زیر نظر الله ﷻ دانستن و فروتنی در پیشگاه الله

سبحانه و مجاهدت با نفس و حفظ و تربیت آن بر اساس

آنچه الله تعالی و رسولش ﷺ دوست دارند و همچنین انتخاب

دوستان صالح، از بزرگترین اموری است که تعیین کننده‌ی

اخلاق نیکو و ملحق شدن به رسول ﷺ و صحابه اش ﷺ

می‌باشد. از الله تعالی درخواست می‌نمایم تا از روی کرم و منت همه‌ی ما را با آنها در یکجا جمع نماید!

ز- مسلمان مسئول اجتماع و وطنش می‌باشد. اگر رفتار ما بد شود یا اصلاح گردد در نتیجه‌ی آن اجتماع ما نیز بد می‌شود و یا اصلاح می‌یابد. اجتماع چیزی جز افرادی که در کنار یکدیگر جمع شده‌اند نمی‌باشد. الله ﷻ انسان را انسان نامیده است، زیرا او نسبت به کسانی که اطراف او هستند، انس پیدا می‌کند. اجتماع همان چیزی است که سرشت از آن تأثیر می‌گیرد و اگر آن رشد یابد نفس و روح رشد می‌یابد و اگر جامعه فاسد شود، مردم آن بیمار می‌گردند.

وطن شامل چیزی است که اجتماع و فرد آن را تشکیل می‌دهند و آن زمینی است که شخص بر خاک آن راه می‌رود و در آن این طرف آن طرف می‌رود. آن مادری مهربان و پدری دلسوز و آغوشی گرم می‌باشد؛ بنابراین بر ماست که همگی ما با خون، روح و اموالمان از آن حمایت کنیم و به

تمامی آنچه الله تعالی در آن به ما نعمت داده است، اشتیاق داشته باشیم تا زمین آن را سالم نگه داریم و آسمان آن را صاف گردانیم و از صاحبان امر آن اطاعت [در امور حلال] داشته باشیم و از ثروت‌های آن و مال و یملک آن و سازمان‌های آن نگهداری کنیم. تمامی ما مسئول امتی می‌باشیم که همراه آنها ذلیل می‌شویم و همراه آنها عزت می‌یابیم. پیامبر ﷺ فرموده است: «مثل المؤمنین فی توادم و تعاطفهم و تراحمهم کالجسد الواحد إذا اشتکی منه عضو تداعی له سائر الجسد بالسهر والحمی» (مثال مؤمنان در دوست داشتن یکدیگر و عاطفه داشتن به همدیگر و مهربانی آنها در برابر هم، به مانند یک بدن می‌باشد که اگر عضوی از آن دچار مشکل شود، بقیه‌ی بدن دچار بی‌خوابی و تب می‌گردد) [مسلم].

ح- همچنین مسلمان مسئول سخنش می‌باشد. از نعمتهایی که قابل شمارش نمی‌باشد و الله تعالی آن را بخشیده است، نعمت سخن گفتن می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿الْمُ

نَجْعَلُ لَهُ عَيْنَيْنِ \* وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ \* وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿﴾ [البلد:  
۸-۱۰] (آیا برای او دو چشم قرار ندادیم \* و زبان و دو لب  
\* و او را به دو راه [خیر و شر] راهنمایی نمودیم)، سخنان  
غالباً از دهان خارج می‌شود و دهان مکان چندین غریزه  
است، غرایزی مثل سخن گفتن، خوردن، آشامیدن و توشه  
برداشتن؛ به همین دلیل اسلام به آن توجه داشته است و از آن  
برحذر داشته است، پیامبر ﷺ فرموده است: «من یضمن لی ما  
بین لحييه وما بین رجلیه أضمن له الجنة» (کسی که آنچه بین  
ریش و سیبیل او است و آنچه بین دو پایش می‌باشد را برای  
من تضمین کند، بهشت را برای او تضمین می‌کنم)  
[بخاری (بخارایی)]، همچنین فرموده است: «من کان یؤمن بالله  
والیوم الآخر فلیقل خیراً أو لیصمت ومن کان یؤمن بالله والیوم  
الآخر فلا یؤذ جاره، ومن کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلیکرم  
ضیفه» (کسی که به الله و آخرت ایمان دارد، پس سخن خیر  
بگوید و یا سکوت نماید و کسی که به الله و آخرت ایمان

دارد، همسایه‌اش را آزار ندهد. کسی که به الله و آخرت ایمان دارد، پس مهمانش را گرمی دارد [بخاری (بخاری)].

بنابراین: از صفات مؤمن راستگو این است که در سخن گفتنش انضباط داشته باشد و ارزش آن را احساس کند و این امر از تقوا می‌باشد.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ [المؤمنون: ۳] (و مؤمنان) کسانی هستند که از سخن لغو روی بر می‌گردانند).

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا \* يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۷۰-۷۱] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از الله تقوا پیشه کنید و سخن درست به زبان بیاورید \* [در نتیجه‌ی آن] برای شما اعمالتان را اصلاح می‌گرداند و گناهان شما را برای شما می-

آمرزد و کسی که از الله و رسولش اطاعت کند، همانا به کامیابی بزرگی دست یافته است).

سخن دارای منزلت بزرگی است؛ آن باعث وارد شدن به آتش جهنم و یا وارد شدن به بهشت می‌شود. پیامبر ﷺ فرموده است: «إن العبد لیتکلم بالكلمة من رضوان الله لا یلقى لها بالاً یرفعه الله بها درجات. وإن العبد لیتکلم بالكلمة من سخط الله لا یلقى لها بالاً ینهی بها فی جهنم» (بنده سخنی را که مورد رضایت الله [تعالی] است را به زبان می‌آورد در حالی که توجهی به آن ندارد و توسط آن الله [متعال] درجات او را بالا می‌برد و بنده سخنی را به زبان می‌آورد که خشم الله [متعال] در آن قرار دارد و به آن توجهی نمی‌کند و توسط آن در جهنم انداخته می‌شود). [بخاری (بخارایی) و مسلم].

به همین دلیل گفته شده است: «زبان تو قلعه‌ی تو می‌باشد، اگر از آن نگهداری کنی از تو نگهداری می‌کند و اگر به



آن خیانت کنی او به تو خیانت می‌کند و او راننده و سواری تو در روز قیامت می‌باشد».

به همین دلیل الله تعالی آن را بین دو فک و دو لب و به صورت یکتا قرار داده است! ولی با این وجود، چقدر قیام، گردنکشی و قتل آن زیاد می‌باشد! همچنین باید در نظر داشت که برترین مسلمان و برترین مردم کسی است که مسلمانان از زبان و دست او سالم بمانند. همان گونه که پیامبر ﷺ فرموده است: «المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده، والمهاجر من هاجر ما نهى الله عنه» (مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او سالم بمانند و مهاجر کسی است که از آنچه الله [تعالی] از آن نهی فرموده است، جدا شود) [صحیح بخاری (بخاری)].

این سخن پیامبر ﷺ است که معاذ بن جبل رضی الله عنه را به همگی خیر راهنمایی می‌نماید. به او فرموده است: «... ألا أخبرك بملاك ذلك كله» (آیا تو را از ملاک تمامی آن باخبر

نسازم) گفتم: بله، ای رسول الله! زبان را گرفت و فرمود: «كف عليك هذا» (این را از خودت حفظ کن!). گفتم: ای رسول الله! آیا ما به واسطه‌ی آنچه می‌گوییم، مواخذه می‌شویم؟ فرمود: «تکلتک أمک یا معاذ، وهل یکب الناس فی النار علی وجوههم إلا حصائد ألسنتهم» (ای معاذ! مادرت بی‌فرزند شود! آیا چیزی مردم را با صورتهایشان داخل آتش جهنم می‌کند، مگر ما حصل زبانهایشان) [ترمذی].

گفته شده است:

یصاب المرء من عثرة بلسان      وليس یصاب المرء من عثرة الرجل  
فعثرته فی القول تذهب رأسه      وعثرته بالرجل تبرأ علی مهل  
الله تعالی ابن آدم و عمل او را که شامل خیر و شرّ  
می‌باشد، ضبط می‌نماید.

الف - همراه او دو فرشته قرار می‌دهد که هر چه را که به زبان می‌آورد را می‌نویسند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَا يَلْفِظُ

مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» [ق: ۱۸] (سخنی را به زبان نمی‌آورد مگر آن که نزد او تحت نظر دارنده‌ی حاضری وجود دارد). به همین دلیل شخص باید در هر سخنی که به زبان می‌آورد، خود را زیر نظر الله تعالی ببیند و در این صورت است که الله تعالی او را از آزار دادن مردم حفظ می‌کند، پیامبر ﷺ فرموده است: «من حسن إسلام المرء تركه ما لا يعنيه» (از نیکویی اسلام شخص این است که آنچه که به او مربوط نمی‌شود را ترک نماید) [ترمذی].

ب- دروغ گفتن را برای وی حرام نموده است. پیامبر ﷺ فرموده است: «عليكم بالصدق؛ فإن الصدق يهدي إلى البر، وإن البر يهدي إلى الجنة، وما يزال الرجل يصدق ويتحرى الصدق حتى يكتب عند الله صديقا، وإياكم والكذب، فإن الكذب يهدي إلى الفجور، وإن الفجور يهدي إلى النار، وما يزال الرجل يكذب ويتحرى الكذب حتى يكتب عند الله كذابا» (راستگویی بر شما واجب است؛ راستگویی به سوی نیکی

هدایت می‌کند و نیکی به سوی بهشت هدایت می‌نماید و شخص دائماً راست می‌گوید و به دنبال راستگویی می‌رود تا آن که نزد الله [تعالی در پرونده‌ی اعمالش] صدیق (بسیار راستگو) نوشته می‌شود و شما را از دروغگویی نهی می‌کنم. دروغگویی به سوی فجور هدایت می‌کند و فجور به سوی آتش جهنم هدایت می‌نماید، شخص دائماً دروغ می‌گوید و به دنبال دروغ می‌رود تا آن که نزد الله [تعالی در پرونده‌ی اعمالش] کذاب (بسیار دروغگو) نوشته می‌شود) [صحیح مسلم].

قد شان صدقی عند الناس کذبهم      وهل یطابق معوج بمعتدل  
عیبجویی کردن به نیت خندانند مردم و نوشتن اباطیل  
و انتشار دادن آن و ستایش فاسقان و تمجید از فرومایگان و  
... همگی دروغ هستند و زشت‌ترین دروغ، دروغ بستن بر  
حقی است که از طرف الله سبحانه و تعالی نازل شده است و

بعد از آن دروغ بستن بر رسولان و پیامبرانش بر دینش و بر علمای امت می‌باشد.

ج- حرام نمودن غیبت و خبرچینی همان گونه که در قبل بیان شد.

د- حرام نمودن لعن و نفرین. پیامبر ﷺ فرموده است: «لا يكون اللعانون شفعاء ولا شهداء يوم القيامة» (لعن کنندگان شفیعان و شهدای روز قیامت نیستند) [مسلم].

ه- حرام نمودن مسخره کردن و به سخره گرفتن. الله تعالی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ» [الحجرات: ۱۱] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قومی از شما قومی دیگر را مسخره ننماید، باشد که آنان از آنها بهتر باشند و زنانی، زنان دیگر را مسخره نکنند، باشد که آنان از آنها بهتر باشند).

و- زشت بودن جدل. پیامبر ﷺ فرموده است: «ما ضل قوم بعد هدی كانوا علیه إلا أتوا الجدل» (قومی بعد از هدایتی که بر آن بودند، گمراه نشدند، مگر بعد از آن که بین آنها جدل ایجاد شد) [ترمذی].

ز- ابوامامه رضی الله عنه از رسول الله ﷺ آورده است: «أنا زعيم بيت في ريبض الجنة لمن ترك المراء وإن كان محققاً، وبيت في وسط الجنة لمن ترك الكذب وإن كان مازحاً، وبيت في أعلى الجنة لمن حسن خلقه» (من تضمین کننده‌ی خانه‌ای در پایین بهشت می‌باشم برای کسی که جدل را ترک نماید، حتی اگر حق با او باشد و [تضمین کننده‌ی] خانه‌ای در وسط بهشت می‌باشم، برای کسی که دروغ را ترک کند حتی اگر به شوخی باشد و [تضمین کننده‌ی] خانه‌ای در بالاترین جای بهشت می‌باشم برای کسی که اخلاق خود را نیکو گرداند) [ابو داود].  
گفته شده است:

جلبت إليك مساوئاً لا تدفع

ودع المزاح فرب لقطه مزاح

بنابراین:

گریزی نیست که باید آداب سخن گفتن را با انتخاب مناسب کلمات و زمان و مکان آن رعایت کنیم و همچنین باید حال کسی که سخن ما را می شنود را مراعات کنیم، تا آن سخن کامل و درست باشد و قابل فهم قرار گیرد.

ما امانت را به دوش گرفته ایم و ما در پیشگاه الله ﷻ درباره ی آن سوال خواهیم شد. بنابراین باید دائماً نفس خود را مورد حساب و کتاب قرار دهیم و اعمالمان را پاک گردانیم و این احساس را داشته باشیم که الله تعالی ما را زیر نظر دارد و بدانیم که الله متعال مهلت می دهد، ولی اهمال نمی نماید.

یقین داشتن شخص به این که الله تعالی او را در هر حالتی زیر نظر دارد، باعث می شود که او سبحانه شخص را از هلاکت نجات دهد و البته این شرطی دارد که همان خالص نمودن نیت می باشد و این الله متعال است که به سوی راه درست هدایت می نماید.

## مراجع:

- ١- القرآن الكريم. ٢- موسوعة الحديث الشريف - الكتب الستة - دار السلام للنشر والتوزيع، ١٤٢١هـ - ق/ ٢٠٠٠م، چاپ دوم. ٣- عدنان محمد آل عرعور، السبيل إلى منهج الطائفة المنصورة، صفات الطائفة المنصورة ومفاهيمها، مؤسسة قرطبة للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٦هـ - ق/ ١٩٩٥م، چاپ دوم. ٤- الإمام شيخ الإسلام ابن تيمية، الحسنه والسيئه، دار الكتاب العربي، بيروت، ١٤٢٧هـ / ٢٠٠٦م.